

بررسی و تحلیل نظرات فقهاء درباره جواز قرائت سبع در نماز*

محمد فاکر میبیدی** و سید مجتبی رضوی***

چکیده

نماز از مهم‌ترین عبادات است که در شرع مقدس بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. یکی از افعال نماز قرائت است که خود دارای شرایط و ضوابط خاصی است. درباره جواز خواندن قرائت هفت‌گانه در نماز چند دیدگاه در میان فقهای فریقین وجود دارد. عمده اهل سنت خواندن قرائت هفت‌گانه و حتی ده‌گانه را جایز می‌دانند. در میان فقهای شیعه اکثر قریب به اتفاق فقها خواندن قرائت هفت‌گانه را جایز دانسته‌اند. برخی قرائت دیگر را نیز تجویز کرده‌اند. در مقابل، تعداد معدودی از فقهای شیعه قرائت نماز را تنها با یک قرائت مجزی دانسته‌اند. در این نوشتار ضمن بررسی دیدگاه‌های مختلف و قائلان آنها دلایل و مستندات فتاوی نیز مورد بحث قرار گرفته و به دست آمده که از منظر فریقین خواندن قرائت هفت‌گانه در نماز جایز است و مهم‌ترین دلیل این فتوی تقریر و تأیید قرائت از سوی معصومان (علیهم‌السلام) می‌باشد.

واژگان کلیدی: قرآن، نماز، قرائت هفت‌گانه، جواز، حجیت، فقها، فریقین

* . تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۳۱ و تاریخ تأیید: ۹۴/۳/۲۳

** . استاد جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول): M_faker@miu.ac.ir

*** . دانش‌پژوه دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه: smujtabarizvi@yahoo.com

مقدمه

نماز، واجبی عینی بر تمام مکلفان (نساء/ ۱۰۳)، بازدارنده از گناهان (عنکبوت/ ۴۵)، یاد خدا (طه/ ۱۴)، ستون دین (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۷۹/ ۲۰۲)، محبوب‌ترین عمل نزد خدا (همان، ۷۹/ ۲۰۶) و نخستین عملی است که در قیامت محاسبه می‌شود (همان، ۷/ ۲۶۷) و برای اهمیت آن همین بس که سبک شمردن آن باعث محروم شدن از شفاعت (همان، ۸/ ۴۷) و ترک آن کفر (همان، ۷۹/ ۲۱۷) معرفی شده است.

با توجه به اهمیت این عمل عبادی لازم است که مکلف اهتمام ویژه نسبت به آن داشته باشد و تمامی ارکان و اجزای آن را به نحو صحیح انجام دهد.

یکی از واجبات نماز قرائت است. بدیهی است که خود قرائت نیز شرایط و ضوابط خاصی دارد و با توجه به وجود قرائات متعدد قرآنی، مورد بحث در این نوشتار، این است که قرائت حمد و سوره در نماز باید بر اساس چه قرائت یا قرائاتی باشد تا مکلف بتواند تکلیف را ادا کند. مسلم است قرائتی که در نماز خوانده می‌شود، باید به گونه‌ای باشد که بنده بتواند حجت و دلیلی برای آن ارائه کند و به اصطلاح علمای اصول معذر باشد.

بررسی دیدگاه‌ها

در پاسخ این پرسش که «چه قرائاتی را می‌توان در نماز خواند؟» سه دیدگاه میان علمای فریقین مطرح است که در ادامه ذکر می‌شود.

۱. دیدگاه اول: لزوم اکتفا به یک قرائت

برخی از فقهای متأخر بر این عقیده‌اند تنها به یک قرائت می‌توان نماز خواند و آن، همان قرائت رایج و مشهور بین مردم یعنی قرائت عاصم به روایت حفص است. از جمله این افراد می‌توان به میرزا هاشم آملی (آملی، مجمع الافکار، ۱۳۹۵: ۳/ ۱۳۱) علامه مرتضی عسکری، (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۲/ ۲۶۷) و آیت الله معرفت (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۸۶: ۲۴۶) اشاره کرد.

الف) دلایل دیدگاه اول

کسانی که تنها یک قرائت را جایز می‌دانند، معتقدند قرآن تنها یکی است و از جانب خدای واحد نازل شده است و تنها همین قرائت واحد حجیت دارد. آملی بیان می‌کند: آنچه

برای ما معتبر است همان قرائت نگاشته شده در مصحف است، هم برای قرائت و هم برای استنباط حکم، و این کلام که حکم قرائت در نماز با برداشت احکام متفاوت است درست نیست؛ زیرا آنچه منبع حکم فقهی است، قرآن است و همین طور ما مکلف به قرائت قرآن هستیم و آنچه قرآن بودنش ثابت نیست، نمی‌توان به خدا نسبت داد (آملی، مجمع الافکار، ۱۳۹۵: ۳/ ۱۳۱).

برخی دیگر دلیل این نظریه را نهی معصوم علیه السلام از دیگر قرائات بیان نموده و ادعا کرده‌اند که این نهی در قالب حدیث «إقرأوا كما يقرأ الناس» به ما رسیده است. آیت الله معرفت دربارهٔ این حدیث می‌نویسد: حدیث «إقرأوا كما يقرأ الناس» ناظر به همان حقیقتی است که در دست مردم جریان دارد و آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله به ارث برده‌اند، نه آنچه بر زبان قاریان جاری است و مولود اجتهادات آنان می‌باشد و بر سر آن اختلاف دارند؛ بنابراین، آنچه معتبر است و حجّیت شرعی دارد، قرائتی است که جنبه همگانی و مردمی دارد و همواره ثابت و بدون اختلاف بوده است و تمامی مصحف‌های موجود در حوزه‌های علمی معتبر در دوره‌های تاریخ، یکسان بوده و اختلافی در ثبت و ضبط آن وجود ندارد (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۸۶: ۲۴۶).
علامه عسکری هم با ذکر این روایات می‌نویسد: بنابر این روایات لازم است انسان از تمام قرائاتی که نقل شده پرهیز کرده و تنها قرآن را همان‌گونه بخواند که عموم مسلمانان می‌خوانند (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶: ۲/ ۲۶۷).

ب) بررسی و تحلیل

این نظریه مبتنی است بر ثبوت تواتر یک قرائت خاص در تمامی اعصار و قرون و عدم رواج قرائات دیگر در میان مسلمانان که هر دو امر تأمل برانگیز است؛ زیرا درست است که در حال حاضر و در قرون متأخر قرائت عاصم به روایت حفص در بیشتر ممالک اسلامی رایج است، اما اثبات این امر در قرون اولیه و در عصر معصومان علیهم السلام مشکل و بدون دلیل است. از طرفی انکار سایر قرائات نیز خلاف شواهد تاریخی است.

روایت «إقرأوا كما يقرأ الناس» نیز خود محل بحث است و در مورد معنا و مفهوم آن اختلاف نظر وجود دارد. جالب اینجاست که کسانی که قائل به جواز خواندن قرائات متعدد هستند نیز به همین روایت استناد کرده‌اند که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

این سخن علامه معرفت که تمامی قرائات را مولود اجتهادات شخصی قراء دانسته است نیز تأمل برانگیز است؛ زیرا مبنای قرائات بر نقل بوده است و اختلافاتی که در این میان وجود دارد نیز بر اساس روایت است، نه اجتهاد شخصی. بر فرض اگر هم اجتهادی بوده است برای گزینش یک قرائت از چند مورد منقول بوده است، نه اجتهاد برخلاف آنچه نقل شده است؛ به عبارت دیگر، اجتهاد برای رسیدن به نص قرآنی بوده است نه اجتهاد در مقابل نص قرآنی. مؤید این مطلب روایتی است که در آن امام تصریح کرده است که اختلاف در قرائت از ناحیه راویان است (کلینی، کافی، ۱۳۶۵: ۶۳۰/۲).

۲. دیدگاه دوم: مجزی بودن هر یک از قرائات سبع

بسیاری از فقها از جمله حضرات آیات علامه حلی (حلی، تحریر الاحکام، ۱۴۲۰: ۲۴۵/۱؛ همو، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۱۴۱۲: ۴۶/۵)، مقدس اردبیلی (اردبیلی، مجمع الفوائد، ۱۴۰۳ق: ۲/۲۱۷)، آقا وحید بهبهانی (بهبهانی، الفوائد الحاریه، ۱۴۱۵: ۲۸۶)، آقا رضا همدانی (همدانی، مصباح الفقیه، ۱۴۱۶: ۱۱۸/۱۲)، میرزای قمی (قمی، قوانین الاصول، ۱۳۷۸: ۱/۴۰۶)، ابوالحسن اصفهانی (اصفهانی، وسیله الوصول، ۱۴۱۹: ۴۸۵)، شیخ عبدالکریم حائری (حائری، کتاب الصلاه، ۱۳۶۲: ۲۰۵)، سید حسین بروجردی (بروجردی، نهاییه الاصول، ۱۴۱۵: ۴۸۲)، قرائت در نماز طبق هر یک از قراء سبعة را مجزی می‌دانند. در این میان علامه حلی قرائات سبع را متواتر می‌داند (حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۱۴۱۲: ۴۶/۵). تعدادی از بزرگان مانند میرزای نائینی (نائینی، کتاب الصلاه، ۱۴۱۱: ۱۱۲/۲)، امام خمینی (خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۹۰: ۱/۱۶۷)، بهجت (بهجت، توضیح المسائل، بی‌تا: ۲۰۰) و بسیاری از فقههای معاصر مطابقت قرائت با یکی از قراء سبعة را موافق احتیاط می‌دانند. شیخ بهائی نیز قرائت نماز طبق هر یکی از هفت قرائت را صحیح می‌داند، اما بسمله (به کسر باء و میم مخفف «بسم الله الرحمن الرحیم» یا به فتح باء و میم مصدر صناعی به معنای گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» است) را مستثنا می‌داند؛ یعنی نمازگزار طبق هر قرائتی که می‌خواند باید بسمله را بخواند اگرچه در آن قرائت بسمله نقل نشده باشد. ایشان در ادامه بیان می‌کند آن دسته از دانشمندان امامیه که فتوا به جواز قرائت طبق قاریان هفت‌گانه داده‌اند، منظورشان همین بوده است؛ زیرا علمای امامیه اجماع دارند بر اینکه اگر کسی عمداً بسمله را ترک کند، نمازش باطل است (بهائی، الاثنا عشریه الصلاه الیومیه، ۱۴۰۹: ۲۷).

از میان فقهای شافعی نووی می‌نویسد: قرائت در نماز و غیر آن طبق قرائات هفت‌گانه جایز است و استفاده از قرائات شاذ صحیح نیست؛ زیرا شرط قرائت معتبر تواتر است و قرائات شاذ متواتر نیستند (نووی، المجموع شرح المذهب، بی‌تا، ۳/ ۳۹۲).

الف) دلایل دیدگاه دوم

دانشمندان اهل سنت دلیل حجیت قرائات را احادیث نزول قرآن بر هفت حرف دانسته‌اند. در مقابل، بسیاری از علمای شیعه دلیل این قول را تقریر معصوم علیه السلام بیان کرده‌اند، از میان تنها علامه حلی قرائات سبع را متواتر می‌داند (حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۱۴۱۲: ۵/ ۴۶). بنابر به نظر ایشان پشتوانه جواز خواندن قرائات سبع تواتر آن است.

ب) بررسی و تحلیل

به طور کلی آرای دانشمندان اهل سنت در این زمینه تفاوت بنیادی با نظر علمای امامیه دارد؛ زیرا قریب به اتفاق اهل سنت احادیث نزول قرآن بر هفت حرف را پذیرفته‌اند و قرائات سبع را جزوی از قرائات نازل من عند الله می‌شمارند، در حالی که این گونه احادیث نزد دانشمندان شیعی فاقد اعتبار است و با حدیث صحیح که قرآن بر یک قرائت نازل شده نیز در تضاد است. از طرف دیگر، بیشتر دانشمندان اهل سنت قرائات هفت‌گانه را متواتر می‌دانند؛ لذا جواز قرائت طبق آن را مسلم می‌دانند؛ از این رو، در کتب فقهی کمتر به جواز قرائات هفت‌گانه تصریح کرده‌اند؛ زیرا نیازی به ذکر آن نمی‌دیدند.

نظریه تواتر قرائات که محدود فقهای شیعه از جمله علامه حلی آن را مطرح کرده‌اند، از سوی دیگر علمای شیعه تضعیف شده است. مسلم آن است که متواتر دانستن قرائات از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حتی از خود قراء امری مشکل است.

بنابراین، جواز قرائت هفت‌گانه نمی‌تواند مبتنی بر تواتر قرائات باشد. البته دلایل دیگری از جمله تقریر معصوم علیه السلام نیز برای جواز قرائات هفت‌گانه مطرح شده است که ذیل دیدگاه سوم بیان و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شایان یادآوری است که این تذکر بهایی که بسمله از این حکم مستثناست بسیار مهم است؛ زیرا در برخی از قرائات هفت‌گانه هنگام وصل دو سوره بسمله خوانده نمی‌شود؛ لذا نمازگزار طبق هر قرائتی که می‌خواند، باید بسمله را بخواند اگرچه در آن قرائت بسمله نقل نشده باشد. ناگفته نماند تمامی قراء سبعة در ابتدای قرائت از اول هر سوره «بسم الله»

را خوانده‌اند، ولی میان دو سوره در هنگام ورود از سوره‌ای به سوره دیگر به روایت قالون، ابن کثیر، عاصم و کسایی بسمله قرائت شده و حمزه یک سوره بدون ذکر بسمله به اول سوره بعدی وصل کرده است. لازم به یادآوری است چنان‌که در پایان سوره وقف گردد، طبق قرائت حمزه نیز ذکر بسمله ضرورت دارد. در روایت ورش از قرائت نافع و همچنین در قرائت ابوعمرو و ابن عامر در میان دو سوره ذکر بسمله جایز است. بنابراین، طبق تمامی قرائات هفت‌گانه باید در نماز بسمله را آغاز سوره خواند؛ زیرا بعد از قرائت سوره حمد باید وقف کرد و سپس سوره‌ای دیگر را همراه با بسمله خواند.

۳. دیدگاه سوم: جواز تمسک به قرائات اعم از قرائات سبع

نظر تعدادی از علما این است که جواز قرائت منحصر در هفت قرائت مشهور نیست، بلکه علاوه بر این هفت قرائت از سایر قرائات نیز در صورتی که واجد شرایط اعتبار باشند می‌توان بهره برد.

برخی از بزرگان مانند شهید اول (عاملی، ذکر الشیعه فی احکام الشریعه، ۱۴۱۹: ۳/ ۳۰۵) و شهید ثانی (عاملی، المقاصد العلیه، ۱۴۲۰: ۲۴۴) قرائات ده‌گانه را متواتر و به تبع قرائت آن را در نماز مجزی می‌دانند. محقق کرکی (کرکی، جامع المقاصد، ۱۴۱۴: ۲/ ۲۴۵) قرائت نماز را طبق قرائات ده‌گانه صحیح می‌داند. شیخ جعفر کاشف الغطاء نیز قرائات ده‌گانه را کافی می‌داند (کاشف الغطاء، کشف الغطاء بی تا: ۲۳۹/۱). شهید اول در یکی از کتاب‌هایش تصریح می‌کند به اینکه اگر کسی غیر از قرائات سبع یا عشر در نماز بخواند نمازش باطل است (عاملی، البیان، ۱۴۱۲: ۱۵۷). شهید ثانی نیز می‌نویسد: اتباع از یک قرائت از میان قرائات ده‌گانه و اکتفا به آن نه واجب است و نه مستحب (عاملی، المقاصد العلیه، ۱۴۲۰: ۲۴۵؛ همو، البیان، ۱۴۰۲: ۲/ ۷۰۰). آقا رضا همدانی در کتاب استدلالی مصباح/الفقیه می‌نویسد: اجماع و نصوص دلالت دارند بر جواز قرائات هفت‌گانه و ده‌گانه و حتی قرائات دیگر که در زمان معصومان (علیهم‌السلام) رایج بوده‌اند. حداقل در جواز قرائات سبع جای هیچ شبهه‌ای نیست؛ زیرا علاوه بر مؤیدات روایی، نقل اجماع بر جواز آن مستفیض بلکه متواتر است (همدانی، مصباح الفقیه، ۱۴۱۶: ۱۲/ ۱۱۸). آیت الله خوئی می‌فرماید: احوط این است که قرائت مطابق با یکی از قرائات هفت‌گانه باشد اما اقوی - آنچه از لحاظ ادله قوی‌تر به نظر می‌رسد - این است که هر قرائتی را که در عصر معصومان (علیهم‌السلام) متداول بوده است، می‌توان در

نماز خواند (خوئی، منهاج الصالحین، ۱۴۱۰: ۱/ ۱۶۵). نظر وحید خراسانی نیز همین است (وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ۱۴۲۸: ۲/ ۱۸۴). آیت الله خوئی در جایی دیگر پس از بیان تقریر و تأیید قرائت از سوی معصومان (علیهم السلام) می نویسد: دلیلی وجود ندارد که جواز قرائت منحصر در هفت یا ده قرائت باشد، بلکه قرائت دیگر را نیز می توان خواند. البته باید از قرائت شاذ یا جعلی اجتناب کرد ... خلاصه کلام اینکه هر قرائتی که در زمان معصوم (علیهم السلام) وجود داشته است، خواندن آن در نماز صحیح است (خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸: ۱۶۷).

خلاصه نظر آیت الله خوئی راجع به مستند این حکم این است که این قرائت در زمان ائمه معصومان (علیهم السلام) وجود داشته اند و اگر خواندن این قرائت جایز نبود، ردعی از جانب ائمه صادر می شد، در حالی که چنین ردعی صادر نشده است، بلکه روایاتی مانند «قرآن را همان گونه بخوان که مردم می خوانند» (کلینی، کافی، ۱۳۶۵: ۲/ ۶۳۳) می تواند مؤید قرائت باشد (خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸: ۱۶۷؛ خوئی، موسوعه الامام الخوئی، ۱۴۳۰: ۱۴/ ۴۴۲).

صاحب عروه می نویسد: احوط آن است که قرائت مطابق قرائت هفت گانه باشد، اما اقوی آن است که رعایت آن واجب نیست، بلکه مطابق بودن قرائت با نهج و قواعد عربی کافی است، اگرچه در حرکات و اعراب مطابق با یکی از این قرائت نباشد (طباطبایی، العروه الوثقی، ۱۴۱۹: ۲/ ۵۱۹). نظر آیت الله گلپایگانی (گلپایگانی، هدایه العباد، ۱۴۱۳: ۱/ ۱۵۳) و آیت الله صافی (صافی، ۱۴۱۶: ۱/ ۱۱۳) نیز همین است. شهید محمد باقر صدر (صدر، الفتاوی الواضعه، ۱۴۰۳: ۴۸۶) و فاضل لنکرانی (فاضل، مدخل التفسیر، ۱۴۱۸: ۱۵۴) نیز قرائت نماز طبق یکی از قرائت رایج در زمان معصوم را جایز دانسته و معتقدند این حکم، اختصاصی به هفت قرائت ندارد. آیت الله سیستانی نیز قرائت نماز را طبق قرائت هفت گانه مناسب می داند، اما معتقد است اقوی این است که قرائت طبق همان منهج عربی متعارف کافی باشد، اگرچه در مورد حروف و حرکات نباید از قرائتی که در زمان معصومان رواج نداشته، استفاده کرد (سیستانی، المسائل المنتجه ۱۴۱۴ق: ۱۲۱)؛ به عبارت دیگر، نظر ایشان در مورد تلفظ و لهجه متفاوت از موارد جزئی و موردی (فرش الحروف) است.

سید محسن حکیم در این مسئله قائل به تفصیل است. ایشان می فرماید: قاعده اقتضا می کند آن دسته از اختلافاتی که مربوط به کیفیت ادای کلمات (مانند فصل و وصل یا مد و قصر و اموری از این قبیل) تبعیت از هیچ کدام از قرائت لازم نیست؛ چه رسد به اینکه فقط

منحصر در قراء سبعة باشد، اما در مواردی که اختلاف منجر به تغییر در معنا می‌شود، لازم است با آن مانند دو متباین برخورد شود. از آنجا که اجماع پیشینیان مبنی بر پذیرش قرائات مشهور شکل گرفته است و سیره قطعیه نیز آن را تقویت می‌کند، تبعیت از هر کدام از قرائت‌های مشهور کافی است؛ لذا هیچ یک از قرائات به طور خصوص معین نشده است (حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ۱۴۰۴: ۶/ ۲۴۵). شبیه همین سخن در کتاب استدلالی فقه الصادق نیز آمده است (روحانی، فقه الصادق، ۱۴۱۲: ۱/ ۴۲۳).

دیدگاه سبزواری نیز در این زمینه جالب است. ایشان می‌فرماید: ملاک در صحت قرائات احراز واقع است و صحت قرائت در عالم واقع اعم از قرائات هفت‌گانه مشهور است و این هفت قرائت موضوعیت ندارند. روایات و اجماع نیز دلالتی ندارند بر اینکه قرائتی غیر از این قرائات مجزی نیست؛ بنابراین، هر قرائتی که بر اساس قواعد معتبر عربی صحیح باشد، مجزی و معتبر است اگرچه مخالف با قرائات هفت‌گانه باشد (سبزواری، مذهب الاحکام، ۱۴۱۳: ۶/ ۳۳۳). ایشان نقل اجماع بر جواز قرائات هفت‌گانه را مستفیض و بلکه متواتر می‌داند (همان). شیخ انصاری پس از بحث فراوان در این زمینه به این نتیجه می‌رسد که قرائت قرآن بر اساس معیارها و قواعد صحیح زبان عربی مجزی است و قرائت قرآن بر آن صدق می‌کند هر چند موافق با قرائات رایج نباشد (انصاری، کتاب الصلاه، ۱۴۱۵: ۱/ ۳۶۲).

برخی از علما نیز بدون اینکه به هفت یا ده قرائت تصریح کرده باشند، تبعیت از قرائات مشهور را مجزی می‌دانند. این نظر از سویی ممکن است با دیدگاه دوم نیز همخوانی داشته باشد.

علامه مجلسی بدون تصریح به هفت یا ده قرائت می‌نویسد: بدون شک در زمان ما قرائت قرآن طبق هر یک از قرائات مشهور جایز است (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۸۲/ ۶۵). شیخ یوسف بحرانی هم در کتاب *حقائق الناصره* می‌نویسد: اگرچه قرائت واقعی و حقیقی فقط یکی است، اما قرائت طبق قرائات مشهور رخصت داده شده است (بحرانی، حقائق الناطره، ۱۴۰۵: ۸/ ۱۰۰).

برخی می‌نویسند: مشهور قدمای امامیه بدون اینکه قرائات را در عدد معینی منحصر کنند، به جواز قرائت بر اساس تمام قرائاتی که در صدر اول رواج داشته، قائل هستند (آل‌عصفور، اتحاف الفقهاء، ۱۴۱۰: ۶۸).

البته این نکته را باید مورد توجه داشت که طبق فتوای مشهور فقها استفاده از قرائات شاذ جایز نیست (عاملی، المقاصد العلیه، ۱۴۲۰ق: ۲۴۶).

از میان دانشمندان اهل سنت نیز رافعی معتقد است قرائت طبق قراء سبعة جایز است. از سایر قرائات هم به شرطی که معنا عوض نشود و حرفی کم و زیاد نشود، می‌توان استفاده کرد (رافعی، فتح العزیز شرح الوجیز، بی‌تا: ۳/ ۳۲۷).

برخی دیگر از علماء شافعی معتقدند قرائات سایر قراء (غیر از سبعة) حکم قرائت ملحون (خطا) دارد و روشن است که قرائت ملحون تا زمانی که موجب تغییر معنا نشود، نماز و قرائت را باطل نمی‌کند. پس علاوه بر قرائات سبع از سایر قرائات نیز می‌توان در نماز استفاده کرد، مشروط به اینکه معنا عوض نشود (شروانی، حواشی شروانی، بی‌تا: ۲/ ۳۹).

شوکانی در نیل الاوطار می‌نویسد: اکتفا به قرائات هفت‌گانه لازم نیست، بلکه هر قرائتی را که متصف به شرایط صحت قرائت باشد می‌توان خواند (شوکانی، نیل الاوطار، ۱۹۷۳: ۲/ ۲۶۳).

الف) دلایل دیدگاه سوم

قائلان به این دیدگاه برای اثبات سخن خود دلایل مختلفی را بیان کرده‌اند. برخی از بزرگان مانند شهید اول و شهید ثانی (عاملی، المقاصد العلیه، ۱۴۲۰: ۲۴۴) قرائات ده‌گانه را متواتر دانسته‌اند. برخی دیگر از جمله آقا رضا همدانی (همدانی، مصباح الفقیه، ۱۴۱۶: ۱۲/ ۱۱۸) و سید محسن حکیم (حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ۱۴۰۴: ۶/ ۲۴۵) جواز خواندن قرائات سبع را مطابق اجماع شیعه دانسته‌اند. سید عبدالاعلی سبزواری نقل اجماع بر جواز قرائات هفت‌گانه را مستفیض و بلکه متواتر می‌داند (سبزواری، مهذب الاحکام، ۱۴۱۳: ۶/ ۳۳۳). شیخ طوسی نیز می‌فرماید: علمای مذهب بر جواز قرائت بر اساس قرائات مشهور اجماع دارند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ق: ۱/ ۷).

بعضی از بزرگان مؤیدات روایی را پشتوانه فتوای خود قرار داده‌اند. از جمله این مؤیدات احادیثی با این مضمون است که قرآن را همان گونه بخوانید که مردم می‌خوانند، از جمله این افراد می‌توان به آقا رضا همدانی (همدانی، مصباح الفقیه ۱۴۱۶: ۱۲/ ۱۱۸)، وحید بهبهانی، (بهبهانی، الفوائد الحائریه، ۱۴۱۵: ۲۸۶)، میرزای قمی (قمی، قوانین الاصول، ۱۳۷۸: ۱/ ۴۰۶) آیت الله خوئی (خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸: ۱۶۷)، سید عبدالاعلی سبزواری (سبزواری، مهذب الاحکام، ۱۴۱۳: ۶/ ۳۳۳) و فاضل لنکرانی، (فاضل، مدخل التفسیر، ۱۴۱۸: ۱۵۴) اشاره کرد.

سیره قطعیه مسلمین و تقریر معصوم دلیل دیگر فقهای شیعه است. نظر تعدادی از فقهاء مانند شیخ یوسف بحرانی (بحرانی، حقائق الناظره، ۱۴۰۵: ۸/ ۱۰۰)، سید محسن حکیم (حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ۱۴۰۴: ۶/ ۲۴۵) و آیت الله خوئی (خوئی، موسوعه الامام الخوئی، ۱۴۳۰: ۱۴/ ۴۴۲) راجع به مستند این حکم این است که این قرائات در زمان ائمه معصومان وجود داشته است و اگر خواندن این قرائات جایز نبود، ردعی از جانب ائمه علیهم السلام صادر می‌شد، در حالی که چنین ردعی صادر نشده است.

ب) بررسی و تحلیل

مجموع دلایل پیش گفته را در چند دلیل می‌توان خلاصه کرد: تواتر، اجماع، احادیث خاص، سیره مسلمین و تقریر معصوم.

دلیل تواتر ذیل دیدگاه دوم مورد اشاره قرار گرفت و بی‌اعتبار بودن تواتر بیان شد، از این‌رو نمی‌توان در بحث مورد نظر به تواتر قرائات تمسک کرد؛ زیرا اثبات تواتر مذکور بسیار دشوار است.

تمسک به اجماع برای اثبات جواز قرائت نیز تأمل برانگیز است؛ زیرا احتمال مدرکی بودن اجماع وجود دارد که در این صورت اجماع نمی‌تواند دلیل مستقلاً باشد. علاوه بر آنکه اجماع مذکور منقول است و طبق نظر مشهور در اعتبار اجماع، محصل بودن آن شرط است؛ بنابراین، نقل چنین اجماعی معتبر نیست، اما از کنار ادعای اجماع از بزرگانی مانند شیخ طوسی از دانشمندان امامیه که به نوعی حاکی از نظر قدما در این باره است، نمی‌توان به راحتی گذشت؛ چه این امر برای شیعه حائز اهمیت است؛ لذا می‌توان آن را به عنوان یک مؤید در نظر گرفت.

روایات «اقرئوا كما یقرأ الناس» و روایات مشابه نیز بر فرض صحت سند می‌تواند پشتوانه اعتبار قرائات هفت‌گانه و حتی دیگر قرائات باشد؛ زیرا شواهد متعددی مبنی بر رواج قرائات مختلف از جمله قرائات سبع در دوران معصومان علیهم السلام وجود دارد و هر قرائتی که معاصرت آن با عصر ائمه ثابت شود، بر اساس این حدیث قابل قرائت است، البته بهترین دلیل بر جواز خواندن قرائات سبع در نماز تقریر معصوم است، همان گونه که تعدادی از بزرگان بدان تصریح کرده‌اند.

همان‌طور که در بررسی دیدگاه نخست گذشت، طبق نظر برخی از صاحب نظران جواز خواندن قرائات متعدد را نمی‌توان از تقریر معصوم (علیه السلام) استفاده کرد؛ زیرا تقریر معصوم جایی نافذ است که منعی در کار نباشد، در حالی که ائمه مردم را از تعدد در قرائت نهی فرموده‌اند و این نهی در قالب حدیث «إقرأوا كما يقرأ الناس» به ما رسیده است. از طرفی کسانی که قائل به جواز خواندن قرائات متعدد هستند نیز به همین روایت استناد کرده‌اند. این اختلاف برداشت از روایت به این سؤال برمی‌گردد که قرائت رایج زمان معصومان به ویژه قرائت عصر امام صادق (علیه السلام)، چه قرائتی بوده است؟ اساساً آیا در آن زمان فقط یک قرائت واحد رواج داشته است یا قرائات متعددی در میان عموم مردم رایج بوده است؟

به نظر می‌رسد در عصر ائمه (علیهم السلام) اختلافاتی در قرائت مسلمانان بوده است؛ لذا دست کم اختلافاتی را که ناشی از تعدد لهجات است، باید پذیرفت و حتی این اختلافات در عصر صحابه هم تا حدودی وجود داشته است، همچنین شواهد دیگری قرائات مختلف را در زمان معصومان (علیهم السلام) تأیید می‌کند؛ از جمله اینکه برخی همچون قاسم بن سلام (م ۲۲۴ق) که در عصر ائمه می‌زیست، کتابی تدوین کرده و در آن قرائات بیش از بیست قاری مشهور آن زمان را گرد آورده است (ر.ک: خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸: ۱۵۹) که قاریان هفت گانه نیز در میان آنها قرار دارند. این امر می‌رساند که در عصر معصومان (علیهم السلام) تنها یک قرائت واحد رواج نداشته است. البته این هم روشن نیست که همین قرائات هفت‌گانه تنها قرائات رایج بوده باشند؛ اگرچه این هفت قرائت مسلماً جزو قرائات رایج بوده‌اند.

بر اساس این روایات به دست می‌آید که قرائت مردم ملاک و معیار است و مسلماً قرائتی معتبر است که در زمان صدور این روایات یعنی در عصر ائمه اطهار رایج بوده باشد، در نتیجه، می‌توان از این احادیث جواز قرائت طبق قرائات رایج زمان معصومان (علیهم السلام) را برداشت کرد، این امر در صورتی اثبات شدنی است که این روایات از لحاظ سند صحیح و استنادپذیر باشد.

ذکر این نکته مناسب است که بر فرض صحت حدیث، جمله امام (علیه السلام) اطلاق دارد و شامل تمامی قرائات دوره ائمه یا حداقل زمان صدور این احادیث می‌شود و هر قرائتی که معاصرت آن با امام ثابت شود و معلوم شود که در آن زمان از شهرت برخوردار بوده است، حجت و معتبر است.

خلاصه این که با استفاده از این احادیث فی الجمله می‌توان جواز خواندن قرائات متعدد از جمله قرائات سبع را ثابت کرد، البته در صورت صحت سند و اثبات صدور این روایات، و همانطور که ذکر شد بیشتر فقهای شیعه و اهل سنت خواندن قرائات مشهور به ویژه قرائات هفت‌گانه را در نماز و غیر آن جایز می‌دانند.

قرائت قرآن در غیر نماز

قرائت قرآن در غیر نماز از اهمیت خاصی برخوردار است و پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ و امامان معصومین تأکیدهای فراوانی نسبت به آن داشته‌اند. حال پرسشی که به مناسبت این نوشتار مطرح می‌شود، این است که قرائت قرآن در غیر نماز باید مطابق با چه قرائتی باشد؟ پاسخ این پرسش تا حدودی از مطالب قبل روشن می‌شود؛ زیرا کسانی که قرائت نماز را مطابق هر یک از قرائات هفت‌گانه یا ده‌گانه جایز می‌دانند، به طریق اولی در غیر نماز نیز جایز می‌دانند، اما مطلب حائز اهمیت توجه به این نکته است که قرائت قرآن در غیر نماز از واجبات نیست که حتماً به حجت و دلیل شرعی نیاز داشته باشد؛ لذا اگر کسی قرآن را به قصد رجا مطابق با یکی از قرائات بخواند، اشکالی ندارد. البته مسلماً نباید به گونه‌ای قرائت کند که نادرست بودن آن ثابت باشد. پس لازم است از قرائات ملحون و مجعول اجتناب کند. اما در صورتی که قرائت قرآن بر شخصی واجب شود، مانند اینکه کسی قسم بخورد یا نذر کند و امثال آن، بعید نیست که قرائت برای این شخص حکم قرائت قرآن در نماز را داشته باشد و باید طوری قرائت کند که حجت شرعی نزد خدای تعالی داشته باشد؛ لذا در این صورت نمی‌تواند از قرائات غیر مشهور استفاده کند.

طبق رأی ابوشامه از بزرگان اهل سنت خواندن قرآن طبق قرائت شاذ در غیر نماز جایز نیست (ابوشامه، المرشد الوجیز، ۱۴۲۴: ۱۱۷). احمد بیلی این نظر را به جمهور علمای اهل سنت نسبت داده است (بیلی، الاختلاف بین القرائات، ۱۴۰۸: ۱۱۷)، اما برخی از دانشمندان اهل سنت قرائت قرآن بر اساس قرائات شاذ را در غیر نماز صحیح دانسته‌اند و معتقدند این مانند نقل به معنا در حدیث است (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱: ۱/ ۳۵۷).

نتیجه

چنان که ملاحظه شد، بیشتر فقهای فریقین خواندن قرائات هفت‌گانه در نماز را جایز دانسته‌اند، حتی فقهای اهل سنت این بحث را مسلم و مفروغ‌ عنه دانسته‌اند.

پس از بررسی دیدگاه فقهای شیعی این نتیجه به دست می‌آید که قرائت نماز می‌تواند طبق یکی از قرائات هفت‌گانه باشد. اکثر قریب به اتفاق فقها این را مجزی می‌دانند؛ اگرچه در مورد اینکه مستند این حکم چیست، نظریه‌های متعددی بین فقهای عظام وجود دارد. برخی مانند علامه حلی، شهید اول و شهید ثانی پشتوانه این حکم را تواتر قرائات برشمرده‌اند. بسیاری تقریر و امضای معصوم علیه السلام را دلیل این حکم بیان نموده و برخی دیگر احادیث «اقرئوا کما یقرأ الناس» را مؤید آن مطرح کرده‌اند. برخی مانند شیخ طوسی و سید عبدالاعلی سبزواری این جواز را مطابق اجماع دانسته‌اند. به نظر می‌رسد وجود قرائات متعدد در عصر معصومان و تأیید و تقریر ایشان به طور عمومی از قرائات رایج در آن عصر، بهترین دلیل بر این امر است.

از مجموع این اقوال نتیجه می‌گیریم که قرائت نماز طبق یکی از قرائات هفت‌گانه طبق نظر قاطبه فقهای شیعه و اهل سنت جایز است. البته این جواز، دلیلی بر صحت همه این قرائات یا نازل شده از سوی خدا را ندارد، بلکه مربوط به وظیفه مکلف در نماز است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه گروهی زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی، قم: انتشارات جامعه المصطفی العالمیه، چ سوم، ۱۳۸۸.
۲. ابوشامة مقدسی، شهاب الدین عبدالرحمن بن اسماعیل، المرشد الوجیز إلى علوم تتعلق بالكتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.
۳. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ه.ق.
۴. اصفهانی، ابوالحسن، وسیله الوصول، قم: مؤسسه النشر الاسلامیه، ۱۴۱۹ق.
۵. انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، کتاب الصلاة، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
۶. آل عصفور، میرزا محسن، اتحاف الفقهاء فی تحقیق مسألة اختلاف القراءات و القراء، قم: مکتبه العزیزی، ۱۴۱۰ق.
۷. آملی، میرزا هاشم، مجمع الافکار ومطرح الانظار، تقرير محمد علی اسماعیل پور شهرضائی، قم: المطبعة العلمیه، ۱۳۹۵ق.
۸. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ق.
۹. بدلی، احمد، الاختلاف بین القرائات، بیروت: دارالجليل، ۱۴۰۸ق.
۱۰. بروجردی طباطبائی، سید حسین، نهایه الاصول، قم: نشر تفکر، ۱۴۱۵ق.
۱۱. بهائی، محمد بن حسین بن عبدالصمد، الاثنا عشریه فی الصلاة الیومیة، تحقیق محمد حسون، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۹ق.

۱۲. بهبهانی، وحید، الفوائد الحائریة، قم: مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۱۳. بهجت، محمد تقی، توضیح المسائل، قم: انتشارات شفق، چاپ دوم، بی تا.
۱۴. حائری، عبدالکریم، کتاب الصلاة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ش.
۱۵. حکیم، محسن، مستمسک العروة الوثقی، قم: منشورات مکتبة آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۶. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة قم: مؤسسة الامام الصادق (علیه السلام)، ۱۴۲۰ق.
۱۷. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
۱۸. خمینی موسوی، روح الله بن مصطفی، تحریر الوسیلة، نجف: دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۱۹. خوئی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: دارالتقلین، چاپ سوم، ۱۴۱۸ق.
۲۰. خوئی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم: نشر مدینة العلم، چاپ بیست و هشتم، ۱۴۱۰ق.
۲۱. خوئی، ابوالقاسم، موسوعة الامام الخوئی، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، چاپ سوم، ۱۴۳۰ق.
۲۲. رافعی، عبدالکریم بن محمد، فتح العزیز شرح الوجیز، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۲۳. روحانی حسینی، سید محمد صادق، فقه الصادق قم: مؤسسه دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۱۲ق.
۲۴. سبزواری موسوی، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم: مؤسسة المنار، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
۲۵. سیستانی، سید علی، المسائل المنتخبة، قم: مکتب آية الله العظمی سیستانی، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.

۲۶. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
۲۷. شروانی، عبدالحمید وعبادی، احمد بن قاسم، حواشی شروانی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۸. شوکانی، محمد بن علی، نیل الاوطار، بیروت: دار الجیل، ۱۹۷۳م.
۲۹. صدر، محمد باقر، الفتاوی الواضحة، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چاپ هشتم، ۱۴۰۳ق.
۳۰. طباطبایی یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
۳۲. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، المقاصد العلیة فی شرح الرسالة الألفیة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۰ق.
۳۳. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۲ هـ ق.
۳۴. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، البیان، محقق محمد حسون، قم: بنیاد فرهنگي امام مهدي (علیه السلام)، ۱۴۱۲ق.
۳۵. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، ذکرى الشيعة فى أحكام الشريعة، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۹ق.
۳۶. عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، تهران: مجمع العلمی الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق.

۳۷. فاضل لنکرانی، محمد، مدخل التفسیر، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۸ق.
۳۸. قمی، ابوالقاسم بن محمد، قوانین الاصول، بی‌جا: کتاب فروشی علمیه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸ق.
۳۹. کاشف الغطاء، جعفر، کشف الغطاء، اصفهان: انتشارات مهدوی، بی‌تا.
۴۰. کرکی عاملی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام)، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۴۲. گلپایگانی، محمد رضا، هدایة العباد، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ق.
۴۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۴. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ش.
۴۵. نائینی غروی، محمد حسین، کتاب الصلاة، تقریر محمد علی کاظمی خراسانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
۴۶. نووی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المذهب، بیروت: دار الفکر، بی‌تا.
۴۷. وحید خراسانی، حسین، منهاج الصالحین، قم: مدرسه امام محمد باقر (علیه السلام)، چاپ پنجم، ۱۴۲۸ق.
۴۸. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، مصباح الفقیه، قم: مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث - مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.